

نگار

برای روز تصویب قانون کار

زهره قلیچی

۲۹ آبان‌ماه امسال، سی‌وپهارمین سالگرد تصویب قانون کار در جمهوری اسلامی است؛ قانونی که بسیاری آن را قانونی خوب می‌دانند اما در اجرا بر آن نقد دارند. قانونی که هرچند در مواردی با احقاق حقوق کارگران عجین است و این جانب‌داری (که برخی به آن معتقدند) تا جایی است که عده‌ای آن را چپ‌گرایانه می‌دانند اما اینها حتی اگر صحت هم داشته باشد، روی کاغذ است و در عمل دارد اتفاقات دیگری می‌افتد. اتفاقاتی که می‌توان آنها را هر روز در شوراهای حل اختلاف کارگری که وزارت کار متولی آن است، به‌وضوح مشاهده کرد.

این قانون اکنون طوری است که حتی ماده ۴۱ آن که بر موضوع حداقل حقوق تمرکز دارد و تأکیدش این است که شورای‌عالی کار است، باید هماهنگ با افزایش تورم، کف حقوق را مشخص کند، اجرا نشده و بر سر آن اختلافات اساسی وجود دارد، به طوری که هر سال بر سر موضوع تعیین کف حقوق بین کارگر و کارفرما و البته دولت در شورای‌عالی کار دعواست، کارفرمایان تأکید می‌کنند که باید این پارامتر براساس منویات آنها تعیین شود که اگر تعیین نشود، بخشی از کارگاه‌ها تعطیل می‌شوند و حجم زیادی از بی‌کاران روی دست دولت خواهند ماند و مسائل کلان امنیتی پیش خواهد آورد امسا کارگران هم بر این‌ عقیده‌اند که اگر پارامتر کف حقوق براساس داده‌های آنها تعیین نشود، زندگی حدود ۵۰ میلیون نفر رنگ خوبی را به خود نخواهد دید.

به هر روی هر چه هست، جامعه کارگری و کارفرمایی با این بخش از قانون کار حسابی مشکل دارند. یکی می‌گوید چرا اجرا نمی‌شود و دیگری می‌گوید نباید این‌طور اجرا شود.

قانون فرانسوی!

روز سه‌شنبه به مناسبت سالروز تصویب قانون کار ایران در ستاد مرکزی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مراسمی با حضور کارگران و بازنشستگان کشور و البته به همت خانه کارگر جمهوری اسلامی برگزار شد. علی‌رضا محجوب، دبیرکل خانه کارگر نیز در این مراسم حضور داشت و به بیان سخنانی در این جمع پرداخت. او درباره قانون کار گفت: قانون کار ابتدا در فرانسه نوشته شد و سپس مقاله‌نامه‌های سازمان جهانی کار پس از سال ۱۹۱۹ مطرح شد تا سه‌جانبه‌گرایی و حقوق کارگر حفظ شود.

محجوب افزود: اکنون در محافلی برای تضعیف قانون کار به اسم اصلاح در مجلس اقدام می‌کنند که ما غیر داریم و در صورت جدی‌شدن واکنش نشان می‌دهیم. برخی به تمسخر می‌گویند قانون کار قانون کار نیست، بلکه قانون کارگر است. ما می‌گوییم که بله! قانون کار برای کارگران نوشته شده و هدف آن خدمت به ما کارگران است. ما تحرکات محافل برای تغییر قانون کار به زیان کارگر را به‌خوبی رصد و محکوم می‌کنیم.

او با بیان اینکه شاغل و بازنشسته باید به فکر هم باشند، بیان کرد: قانون کار چتری فراگیر برای کارگر و بازنشسته است. بسیاری از کارفرمایان بعد از تصویب پاینده به اجرای قانون کار نبودند. اگر قانون اجرا نشود، مردم از آن بهره‌مندی نخواهند داشت و ممکن است قانون به ضد آن بدل شود. مثلا درباره تصویب حداقل مزد، برخی موضوع تورم را ندیده می‌گیرند و ضد روح قانون کار عمل می‌کنند.

دبیرکل خانه کارگر تأکید کرد: کسانی که دنبال دورکردن تشکل‌های کارگری از اهداف خود برای اجرای قانون کار هستند، خیال خامی دارند. ما تشکل‌های کارگری کنار کارگر و بازنشسته به شکل توأمان ایستاده‌ایم. ما از همه کسانی که پای قانون کارگر هستند، تشکر می‌انمای.

علی‌رضا محجوب، دبیرکل خانه کارگر و عضو هیئت امنای سازمان تأمین اجتماعی، در یک گفت‌گویی رسانه‌ای نیز که به همین مناسبت انجام شد، ضمن تأکید بر صحت روایت جامعه کارگری و انتقاد از اجرانشدن بسیاری از مواد و بندهای این قانون، در سالروز تصویب قانون کار اظهار کرد: قانون کار جمهوری اسلامی ایران، تبلور حمایتی گسترده از کارگران شریف و زحمتکش ایران است. این حمایت از کارگرایی صورت گرفته است که انقلاب اسلامی ایران به طور مشخص با اعتصابات و مبارزات آنان به پیروزی رسیده است.

دبیر کل خانه کارگر در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به اهمیت امنیت شغلی در ساده هفتم قانون کار و نقش اساسی آن در حیات و معیشت کارگران گفت: تلاش‌هایی برای اصلاح ماده هفتم قانون کار قبل از دولت سیزدهم در حال انجام بود که در دولت شهید رئیسی متوقف شد. ازسرگیری آن تلاش‌ها برای تغییر مواد مربوطه به امنیت شغلی محل پرسش و گفت‌وگو است. ما حتما در این زمینه با جدیت به میدان خواهیم آمد و تعارفی در موضوع اجرای قانون کار با هیچ دولتی نداریم.

او با اشاره به اهمیت ماده ۴۱ قانون کار برای معاش کارگران به ایلنا گفت: انتظار ما از دولت تقویت اجرای ساده ۴۱ قانون کار است. روند تضعیف این ماده باید متوقف شود.

قطع‌نامه گردهمایی

مطابق آنچه در رسانه‌ها نیز منتشر شده است، خانه کارگر جمهوری اسلامی در مراسم سالگرد تصویب قانون کار، قطع‌نامه‌ای را صادر کرده بود که در مراسم قرائت شد. در بخشی از این قطع‌نامه آمده است:

«تورم، ناشی از سیاست‌های غلط و بی‌انضباطی مالی است و گروه‌های فرصت‌طلب، هم شرایط را مناسب دیده و از این آب گل‌آلود ماهی می‌گیرند و هم شرایط را برای زندگی جامعه کارگری و حتی کارمندی سخت کرده‌اند. شایسته است که با همکاری صاحب‌نظران و اقتصاددانان دلسوز، به کنترل تورم اقدام کرده تا با سیاست‌های اعمال‌شده بتوان ثبات و کنترل قیمت‌ها را به جامعه اقتصادی ایران بازگرداند.»

در ادامه این قطع‌نامه آمده است: «کارگران ساختمانی با ۱٫۵ میلیون شاغل در بخش ساختمان، به‌عنوان اصلی‌ترین عوامل اجرائی عمران و آبادانی کشور هستند. این قشر زحمتکش حدود هفت درصد شاغلان کشور را تشکیل می‌دهند، ولی متأسفانه ۵۰ درصد حوادث کار کشور مربوط به این شغل است. به دلیل نفوذ بالای مافیای ساخت‌وساز، کارگران ساختمانی حتی از داشتن یک بیمه تأمین اجتماعی حداقلی محروم هستند. برخورداری با سامندهی و تقویت تشکل‌های کارگری این بخش و کاهش حوادث ناشی از کار با الزام رعایت مسائل ایمنی، اصلی‌ترین مطالبات زحمتکش‌ترین قشر کارگری ایران است، بنابراین ارکان دولت را مکلف کنید تا با همکاری مجلس، ضمن توجه به خواسته‌های حداقلی این قشر، موجبات تحقق مطالبات مطروحه را فراهم آورند.»

خانه کارگر در قطع‌نامه خود آورده است: امنیت شغلی کارگران با توجه به نرخ بی‌کاری، به‌شدت کاهش پیدا کرده و نظارت بر رفتار پنگاه‌ها از ناحیه مسئولان وزارت کار به حداقل خود رسیده است. وزیر کار، به‌ویژه حوزه بازرسی کار را مکلف کنید که به تشدید نظارت‌های خود درباره اجرای کامل و جامع قانون کار در واحدهای تولیدی، شدت ببخشد.



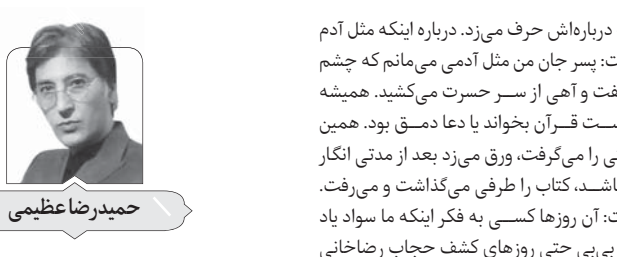
یکس عموغ آل موشول انیلا

روایتی از بی‌عدالتی شغلی در میان معلمان

معلمان ته جدول حقوق

نیک‌نژاد: بی‌عدالتی جذابیت شغل معلمی را از بین برده است

فلاچی؛ معلمان هم احساس بی‌عدالتی در درون سازمان دارند هم بیرون سازمان



محمدرضا عظیمی

بی‌بی‌همیشه درباره‌اش حرف می‌زد. درباره اینکه مثل آدم ناینیاست. می‌گفت: پسر جان من مثل آدمی می‌مانم که چشم ندارد. این را می‌گفت و آهی از سر حسرت می‌کشید. همیشه از اینکه نمی‌توانست قرآن بخواند یا دعا دمق بود. همین کتاب‌های دم‌دستی را می‌گرفت، ورق می‌زد بعد از مدتی انکار که کلافه شده باشد. کتاب را طرفی می‌گذاشت و می‌رفت. همیشه می‌گفت: آن روزها کسی به فکر اینکه ما سواد یاد بگیریم نبود. آخر بی‌بی حتی روزهای کشف حجاب رضاخانی را بادش می‌آمد. حتی آن روزهایی که از ترس «آجان‌ها» به دل کوه زده بودند و در غاری نزدیک روستایشان، پنهان شده بودند را خوب در یاد داشت و همیشه درباره‌اش حرف می‌زد. بی‌بی همیشه از حال و هوای روستا گله داشت که نمی‌گذاشتند دخترها سر درس بروند حتی به مکتب. مکتبی که توسط «باباعلی» اداره می‌شد. همیشه می‌گفت: من می‌نشینم و پرازکم را نگاه می‌کردم که چطور به مکتب می‌رود. هر روز می‌رفت و چند تا «تال» می‌خورد و برمی‌گشت. می‌گفت: هرچه او از مکتب فراری بود، من دوست داشتم بروم حتی اگر چنان هم را هم با تال (ترکه چوب درخت) بزنند. اینجا که می‌رسید چشم‌های بی‌بی تر می‌شد. تر می‌شد که نتوانسته سر کلاس برود و درس درست و حسابی بخواند.

توسعه در تبعیض

«باباعلی» انکار همیشه دارد توی این مُلک تکرار می‌شود.

آن روز حتی کسی قدر چوب و ترکه‌اش را ندانست؛ چوب و ترکه‌ای که با دلسوزی می‌زد تا بچه‌هایی که غیر از آینده‌ای سیاه برای آنها، چیزی متصور نبود، شاید که به درد آن داجت شوند و راهی دیگر به سمت آینده پیش بگیرند و امروز هم انکار کسی خیلی دل به دل «باباعلی»‌های معاصر نمی‌دهد. این را داشتم توی چهره «محمدرضا نیک‌نژاد»، می‌دیدم. عضو کانون صنفی معلمان که سال‌هاست او را همراه «مهدی پهلولی»، دیده بودم. مرحوم مهدی پهلولی!

نیک‌نژاد نشسته بود آن رویه‌رو و داشت از بی‌عدالتی شغلی حرف می‌زد، او اینکه این فضا چه بلایی سر آموزش در ایران آورده است. گزارشی را توی موبایلش باز کرده بود و داشت با صدای بلند می‌خواند. می‌گفت: پیامد بی‌عدالتی در آموزش بسیار گسترده است به این دلیل که آنهایی که در این زمینه اشتغال دارند، عملا پرچم توسعه‌گشسور را در دست دارند. آموزش و پرورش چه معلم و چه دانش‌آموزش، بخشی از فرایند توسعه است نه تنها بخشی از فرایند توسعه بلکه عملا پرچم توسعه دست اینهاست.

او می‌گفت: به نظر من که معلم بوده‌ام و در طول مدت معلمی (که ۳۲ سال طول کشیده است) دست‌کم با هزار معلم دیگر همکار بوده‌ام، ناراضیاتی از شغل در بین معلمان موج می‌زند و این دل‌بستگی ندارد غیر از اینکه معلم مانند بخشی دیگر از شهروندان، احساس بی‌عدالتی دارند. به هر حال آنها میزان درافتی خود را با بخش‌های مختلفی از کارکنان دولت در دستگاه‌های دیگر مقایسه می‌کنند و این بی‌عدالتی را حس می‌کنند که در زندگی‌شان مؤثر است. من معتقدم اگر معلمان حقوق میانگین ملی بین ۲۵ تا ۳۰ میلیون تومان دریافت کنند، دیگر بسیاری از بحران‌هایی که امروز وجود دارد، وجود نخواهند داشت.

به گفته او: یکی از نکات اساسی این‌ حوزه گریز معلمان است. نیک‌نژاد می‌گفت: ما امروز به طور فزاینده یا کمبود معلم رویه‌رو هستیم. خود مسئولان می‌گویند ما ۱۷۶ هزار معلم یکم داریم. من نمی‌دانم این است که تعداد کمبود. از این هم بیشتر اعتماد. تازه معلم در حالت عادی باید ۲۴ ساعت تا ۳۰ ساعت کار کند تا بتواند فراغت داشته باشد که برای خود، خانواده و دانش‌آموزانش وقت بگذارد و در راستای شغلش تلاش کند.

نمی‌دانم توهم بود یا نه اما این عضو کانون صنفی معلمان این‌ بخش را با صدای لیزان تأکید می‌کرد: طبق آماری که موجود است، رویکرد که به شغل معلمی بسیار کاهش پیدا کرده است یعنی علاقه و انگیزه برای شغل معلمی نزد جوان‌تراها وجود ندارد. سال ۱۴۰۱ آزمونی برگزار شد که قرار بود از مسیر آن ۲۲ هزار و ۱۸۴ دبیر و هم‌تراز آن طریق آزمون جذب شوند اما بر اساس گزارش‌هایی که منتشر شده است، ۱۱ هزار شغل– محل بدون متقاضی باقی ماند؛ یعنی حدود ۵۰ درصد، چون نیرو گیرشان نمی‌آمد که جذب کنند. طبق این گزارش فقط در شهر تهران دو هزار ردیف شغلی برای مردان خالی مانده است.

روزنه

قرارداد یک‌ماهه

برای کارگر خط تولید

ایلنا: در مراسمی که به مناسبت ۲۹ آبان، سالروز تصویب قانون کار در استان مازندران برگزار شد، سخنرانان ضمن دفاع از قانون کار جمهوری اسلامی بر تأمین امنیت شغلی و ارتقای معیشت کارگران و بازنشستگان تأکید کردند.

علی اکبر علوی‌نژاد، رئیس مجمع کارگران استان مازندران، در این مراسم بر حضور فعال کارگران و تشکل‌های کارگری در صحنه‌های مختلف گفت: رمز موفقیت و پیشبرد اهداف تشکل‌های کارگری، اتحاد و همبستگی آنان است. نباید به امید وعده‌ها و سخنان زیبای دیگران بمانیم. باید یک صدا در میدان باشیم و از دستاوردهای مهمی چون قانون کار دفاع کنیم!

رئیس مجمع کارگران استان مازندران گفت: مقام معظم رهبری فرموده‌اند که اگر حال کارگران خوش باشد، حال ملت هم خوش خواهد بود! آیا مسئولان پیام رهبر انقلاب را درک نمی‌کنند؟ در کجای دنیا کارگرانی که چرخ‌های اقتصاد را به گردش درمی‌آورند با قرارداد‌های یک‌ماهه کار می‌کنند؟

او گفت: در سالروز تصویب قانون کار فریاد می‌زنیم که حال کارگران خوش نیست. تورم و گرانی ما کارگران را زنج می‌دهد! با وجود تورم ۵۰درصدی، افزایش ۲۰درصدی دستمزدها چه معنایی دارد؟ در این مراسم که جمعی از مدیران

استانی و تشکل‌های کارگری مازندران حضور داشتند، حسن فلاح، مدیرکل تأمین اجتماعی استان، با اظهار خرسندی از اجرای طرح متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان گفت: درحال‌حاضر بیش از دو میلیون نفر از جمعیت بالای سه‌میلیونی استان تحت پوشش خدمات تأمین اجتماعی هستند.

سیدهادی ساداتی، رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی استان مازندران، نیز در سخنان خود ضمن تأکید بر لزوم حمایت دولت از بخش تولید گفت: انتظار داشتیم اهداف هدفمندی یارانه‌ها که با هدف حمایت از تولید اعلام شده بود، محقق شود. ساداتی گفت: درحالی‌که خط فقر ۲۳ میلیون تومان اعلام می‌شود، تکلیف کارگران با مزد حدود ۱۳ میلیون تومان چه می‌شود؟

او افزود: با سیاست‌های نابخردانه برخی اقتصاددان‌ها، امروز شاهد ارزهای چندنرخ‌سی و کاهش ارزش پول ملی هستیم و از این منظر وضعیت معیشتی کارگران و بازنشستگان خوش نیست.

نصرالله دریاییکی، دبیر اجرایی خانه کارگر مازندران هم با تشریح چگونگی تصویب قانون کار و تأکید بر اهمیت این قانون گفت: گرامیاداشت ۲۹ آبان، گرامیاداشت تمام تلاش‌هایی است که معطوف به تصویب قانون کار شد. یاد و خاطره اسام راحل و مردان بزرگی همچون مرحوم سرحدی‌زاده را که برای تصویب قانون کار مجاهدت کردند، گرمی می‌داریم.

دریاییگی با اشاره به تمامی تلاش‌هایی که در راستای هجمه به قانون کار صورت گرفته، گفت: تشکل‌های کارگری و در رأس آنها خانه کارگر، دربرابر تمامی این تحرکات ایستاده و برای حفظ و حراست از قانون کار و دستاوردهای ارزشمند انقلاب در عرصه‌های کارگری از هرگونه اقدامی دریغ نخواهد کرد. او از حمایت و همراهی دولت و مجلس و بیگیری‌های مجادنه تشکل‌های کارگری و کانون عالی بازنشستگان و کوشش‌های بی‌دریغ رئیس کمیسیون اجتماعی و مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی برای اجرائی‌شدن متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان قدردانی کرد.

میرعلی شیرافکن، رئیس کانون ماهنگی شوراهای اسلامی کار استان مازندران نیز در این مراسم خطاب به منتقدان قانون کار گفت: ما هم موفق به‌روزکردن قانون کار هستیم اما اصلاحی که شما دم از آن می‌زنید، مبهم است و نمی‌دانیم با چه هدفی این مسائل را مطرح می‌کنید! او گفت: اگر دغدغه تولید دارند به دغدغه‌های کارگران توجه کنند، امروز کارگران دغدغه امنیت شغلی و معاش دارند! ماده ۴۱ قانون کار می‌گوید دستمزد کارگران براساس تورم واقعی و سبد معیشت تعیین شود؛ آیا در عمل نیز این چنین است؟ قانون کار بر امنیت شغلی کارگران تأکید می‌کند؛ آیا با قراردادهای یک‌ماهه و دوماهه می‌توان از امنیت شغلی سخن گفت؟ چرا به آنچه در قانون تأمین اجتماعی راجعه به درمان رایگان بیمه‌شدگان اشاره شده، عمل نمی‌کنند؟